

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال سوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۷، ص ۱۷۶-۱۴۹

معرفی و متن‌شناسی نسخه خطی حدایق الانوار محمدصادق قومشمی^۱

مهین فرحمند^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

سید محمود سیدصادقی^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسؤول).

شمس‌الحاجیه اردلانی^۴

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

چکیده

تلاش برای احیای آثار مکتوب گذشته امری ضروری است؛ زیرا حفظ فرهنگ و ادب هر جامعه در گرو حفظ آثاری است که در پویایی و استحکام فرهنگ آن جامعه سهم داشته‌اند. آنچه از گنجینه میراث ادبی مکتوب ما در دسترس است اندک نیست؛ ولیکن با تمام کوشش‌هایی که در جهت احیا و شناساندن این آثار صورت پذیرفته، شاعران و نویسندگان و آثاری که هنوز در گوشه‌انزوا قرار دارند، کم نیستند. یکی از نویسندگان توانا که در زاویه گمنامی قرار گرفته و در عصر خویش از نویسندگان برجسته بوده، محمدصادق بن محمدباقر

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۳

تاریخ وصول: ۹۶/۹/۱۱

^۲ farahmand54@yahoo.com

^۳ sadeghi.mhmood33@yahoo.com

^۴ ardalan_sh@yahoo.com

قومشمی است که در دوره قاجار می‌زیسته و اثرش جزء آثار دوره بازگشت ادبی است. با توجه به اهمیت تاریخی و ادبی این اثر، نگارنده در این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار به معرفی نسخه خطی رساله *حدایق الانوار* و بررسی و عناصر و مؤلفه‌های سبکی، بیان ویژگی‌های زبانی، ارزش ادبی، دینی، عرفانی و تاریخی آن بپردازد. از *حدایق الانوار* دو نسخه خطی در کتابخانه‌های ایران موجود است. در این پژوهش، معرفی کتاب بر اساس قدیمی‌ترین و کامل‌ترین نسخه، که متعلق به کتابخانه ملی ایران است، انجام گرفته است.

واژه‌های کلیدی

نسخه خطی، *حدایق الانوار*، دوره قاجار، تصحیح، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

محققان و مصححان زیادی در عصر حاضر به دلیل اهمیت تصحیح نسخه‌های خطی، دست به تصحیح متون ادبی زده‌اند. تصحیح متون از اساسی‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌های نقد به حساب می‌آید و «در حقیقت خشت اول و رکن عمده نقد ادبی است. چون بی آن، هیچ نکته‌ای را نمی‌توان از آثار قدما استنباط کرد و هرگونه نقد تاریخی و یا ذوقی یا لغوی که در باب آثار شاعران و نویسندگان بشود، تا بر متون صحیح معتبر متکی نباشد، سندیت و اعتبار ندارد» (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۹۴). البته دست یافتن به تصحیح بی‌عیب و نقص امری دشوار است و این دشواری گاهی در تصحیح برخی آثار دوچندان می‌شود. شناخت نسخه‌های خطی یکی از راه‌های دستیابی به پیشینه فرهنگی، ادبی و علمی گذشتگان و یکی از بهترین مشخصه‌ها برای معرفی اصالت پیشینه فرهنگ کشورها در دنیا است. این متون ارزشمند تاریخی جایگاه ویژه‌ای در معرفی و حفظ فرهنگ و تمدن هر کشوری دارند؛ زیرا این نسخ به طور مستقیم نشان‌دهنده اندیشه و دیدگاه حاکم بر یک ملت و قوم در ابعاد مختلف است. بدون شک با استفاده از این

ظرفیت، می‌توان شناسه‌های هویتی خود را به دنیا معرفی کرد. در باب اهمیت نگهداری از آثار کهن، لزوم نقد و تصحیح نسخ خطی، سخنان فراوانی گفته شده است، مایل هروی می‌گوید: «بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه آنگاه مقدور می‌گردد که از پیشینه تاریخ تمدنش آگاه باشد و آنچه را از اسلاف بر جای مانده است با بینش علمی و انتقادی و به دور از هرگونه حب و بغض مذموم در اختیار گیرد، نقاط ضعف و علل ناتوانی‌های گذشتگان را دریابد و نقاط قوت و علل توانایی‌های آنان را بجوید» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۷۹).

از این رو هدف از تصحیح آثار ادبی و غیرادبی این است که از روی نسخه‌های خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصل یک اثر را به درستی مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی ارائه دهند تا خواننده امروزی بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگرچه اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای در اختیار دارد که مصنف و مؤلف آن، آن را نوشته و تصنیف کرده است (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۲۵۹). اهمیت احیا، نشر و تصحیح نسخه‌های خطی و آثار مکتوب گذشته برای همگان مبرهن و آشکار است و یکی از ضروری‌ترین حوزه‌های کار و تحقیق در زبان و ادب فارسی، همین تصحیح نسخ خطی این مرزوبوم است. «بر این اساس توجه به احیا و تصحیح متون، علاوه بر روشن شدن بخش‌هایی از تمدن و فرهنگ اسلامی، نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی‌زبانان است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴).

به دلیل اینکه تاکنون کتاب *حدایق الانوار* به صورت نسخه خطی باقی مانده است و به دور از دسترس پژوهشگران و ادب دوستان قرار دارد، تصحیح این نسخه، چاپ آن و معرفی نویسنده و نسخه‌های خطی وی و همچنین بررسی و برجستگی‌های اثر او از ضرورت‌های پژوهش است.

مستندات این پژوهش از ابزار کتابخانه‌ای فراهم آمده است. از این رو ابتدا نمونه‌هایی مبتنی بر هدف و منتخب از متن *حدایق الانوار*، مطالب مورد نظر استخراج شد و با مطالعه کیفی، مختصات ساختاری نسخه، ویژگی‌های زبانی، ارزش‌های ادبی و تاریخی جمع‌آوری و با

روش علمی تبیین شد.

۱-۱. مسئله پژوهش

دانش و فن تصحیح متون، در حقیقت به معلومات و روش‌هایی گفته می‌شود که هدف از تنظیم و به کار بستن آن‌ها در متن، به دست دادن متنی هرچه نزدیک‌تر به متن اصلی و شناخته‌شده از روزگار مؤلف است که از زیر قلم او خارج شده است (جهانبخش، ۱۳۷۸: ۱۳).

این پژوهش بر آن است تا یکی از این نسخه‌های ناشناخته ادب فارسی در زمان قاجار را به دستداران فرهنگ و اندیشه تقدیم کند. نثر دوره قاجار، تحت‌تأثیر سبک بازگشت ادبی است. پس از رواج سبک هندی در شعر دوره صفوی، کم‌کم شاعران از آن رویگردان شده، به سبک‌های قدیم بازگشتند. گو اینکه ابتدا به سبک عراقی روی آوردند و اقبال به سبک خراسانی در این بازگشت، بیشتر بود و سپس به سبک خراسانی (بهار، ۱۳۷۳، ج ۳: ۳۴۸). در زمینه نثر از اواخر کار زندیه، قدم به قدم اصلاحات جزئی و نسبی در سبک نگارش به وجود آمده و نثرنویسی فارسی، به تدریج و تأنی، به سادگی، روانی و پختگی گراییده و تصنع و تکلف تا حدی کمتر شده است (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵۰). با اینکه رگه‌هایی از نثر ساده و مرسل رایج بود، نویسندگان هم به پیروی از شعرا سبک گذشتگان را دنبال کردند و نثرهای مصنوع، متکلف و پیچیده را کم‌کم کنار گذاشتند. این تحول در نثر، آهسته‌تر از تحول در شعر رخ داد و اثر خود را در اواخر دوره قاجار و ظهور نثر جدید فارسی زمان مشروطه گذاشت. در این بین، روی آوردن به نثر مسجع و آهنگین به پیروی از سعدی و دیگر نویسندگان برجسته رایج شد. صوفیان این عهد در ایران و خارج از ایران، اثرهایی در مرتبه‌هایی که غالباً در مرتبه‌های دوم و سوم اهمیت قرار دارند، به نظم و نثر پدید آوردند و آیین پیشینیان را در این راه دنبال کردند. هیچ‌یک از این کتاب‌ها و دفترها ارزش آثار عارفان بزرگ گذشته را ندارد. نه از حال و ذوق و فصاحت آنان در اینجا اثری است و نه از عمق فکر و اندیشه پاره‌ای از آن‌ها. بیشتر در آن‌ها به بیان آیین‌ها، سنت‌ها، تعبیرها و اصطلاح‌ها و یا تکرار

مطلب‌های گذشتگان با شرح و بیانی که درخور زمان باشد، توجه شده است. بعضی هم در شرح حال و اثرها و سخنان عارفان پیشین و یا ترجمه احوال مشایخ متأخر است (صفا، ۱۳۶۸، ج ۱/۵: ۵۱۱). نسخه خطی *حدایق الانوار*، رساله مفصلی است در عرفان و توحید با نثری ساده و مرسل که مؤلف آن محمدصادق بن محمدباقر، در فصل اول، شرح حال خودش را ذکر نموده و گفته که ابتدا در اصفهان و شیراز بوده و پس از آن به قم آمده و عاقبت داخل سلسله ذهبیه گردیده و پس از آن، این کتاب را تألیف کرده است. او کتابش را در هشت حدیقه و هر حدیقه در چند گلزار و شجره تنظیم نموده است؛ در این نسخه مؤلف اشعار زیادی از شاعران دیگر آورده است. حکایت‌های *حدایق الانوار* نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر عرفانی فارسی است. «داستان‌هایی که در آن اندیشه‌ها و آموزه‌های عرفانی در قالب قصه و داستان طرح می‌شود، داستان عرفانی نامیده می‌شود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۹۶). در این آثار، قصه و داستان ظرف یا پیمان‌های برای انتقال معنی و مفهوم است. مشخصه و محتوای اصلی کتاب *حدایق الانوار*، عشق به حق و نادیده گرفتن هرچه غیر اوست. در حقیقت موضوع اصلی این مجموعه را می‌توان با معیار و سنجه ادبیات عرفانی و تعلیمی بررسی کرد. پس با نگاهی جامع می‌توان از دیدگاه زبانی و ساختاری به این رساله نگریست.

۱-۳. پیشینه تحقیق

با وجود اینکه حدود صد سال از تصحیح و احیای نسخه‌های خطی می‌گذرد، هنوز آثار و نوشته‌های زیادی وجود دارند که ناشناخته باقی مانده و معرفی نشده‌اند. محمدصادق قومشمی از جمله نویسندگان عارفی است که خود و اثرش ناشناخته باقی مانده است. نسخه خطی *حدایق الانوار*، گنجینه‌ای سرشار از نکات عرفانی و اخلاقی است که از دید مصححان و اهل ادب به دور مانده و با بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش و تحقیقی درباره این نسخه خطی صورت نگرفته است. نویسنده مقاله برای اولین بار در رساله دکتری خود در صدد تصحیح این نسخه است.

فقط در تعداد اندکی از کتاب‌ها، نامی از محمدصادق قومشمی و نسخه خطی حدایق الانوار ذکر شده است:

مصطفی درایتی در فهرستگان نسخه‌های خطی (فخنا) از نسخه خطی حدایق الانوار نام برده است (درایتی، ۱۳۸۸: ۶۷۱). وی در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) نسخه خطی حدایق الانوار را در شمار نسخه‌های خطی موجود در ایران نام برده است (همو، ۱۳۸۴: ۱۵۸۸).

۲. معرفی نسخه‌های خطی حدایق الانوار

در این پژوهش، نسخه حدایق الانوار کتابخانه ملی ایران به شماره ۳۲. ف. به‌علت قدمت، خوانا و کامل بودن به‌عنوان نسخه اساس انتخاب شده است. حدایق الانوار شامل سه نسخه در کتابخانه‌های مختلف ایران با مشخصات زیر است:

۲-۱. نسخه خطی حدایق الانوار کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی به شماره ۲۳۶۶

رساله حدایق الانوار به شماره ۲۳۶۶ در کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی قم نگهداری می‌شود. در دنا در خصوص این نسخه به‌صورت مفصل آمده است. حدایق الانوار رساله مفصلی است در عرفان و توحید. مؤلف در فصل اول مقدمه، شرح حال خودش را ذکر کرده و می‌گوید که ابتدا در حیرت بوده و پس از آن به شیراز و اصفهان و پس از آن به قم آمده و عاقبت داخل سلسله ذهبیه شده و پس از آن این کتاب را تألیف کرده است. او کتابش را در هشت حدیقه و هر حدیقه در چند گلزار و شجره تنظیم نموده و در اثنا، اشعار زیادی از مثنوی و دیگران آورده است. عنوان حدایق کتاب عبارت است از مقدمه، شامل چهار فصل: فصل اول در بیان احوال راقم، فصل دوم در کیفیت علم و ادراک، فصل سوم در امر به استتار اسرار و سرّ آن، فصل چهارم در بیان معرفت الله. حدیقه اول در اصالت وجود. یک گلزار و ده شجره. حدیقه دوم در بیان اینکه سبب ایجاد عالم محبت است. یک بهار و سه گلزار. حدیقه چهارم در سبب عداوت با اولیا، یک گلزار و سه شجره. حدیقه پنجم در محبت خاتم الانبیا، یک گلزار و شش شجره.

حدیقه ششم در اقسام علما، یک گلزار و هفت شجره. حدیقه هفتم در ریاضت، یک گلزار و پنج شجره. خاتمه در سبب اختتام کتاب به هشت حدیقه و جمع بین المذاهب (همان‌جا). نویسنده کتاب را با عبارت «رَبِّ وَفَّقَنِي بِالْإِتِّمَامِ» آغاز کرده و سپس عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در ادامه آورده است.

آغاز: الحمد لله الذي رشح من سبحات امره امطار رحمته...

انجام: حکایت کشف الاسرار را آورده که پدری پسر خود را گفت امروز هر قسم با مردم کنی و گویی و شنوی شام با من بازگویی.

همچنین در مشخصات نسخه آمده است: خط نسخ و نستعلیق، بی‌تا و کا، قرن ۱۳، اضافاتی در حواشی با خط مؤلف، جلد تیماج مشکی، ۲۵۲ برگ، ۲۳×۱۷ سطر، اندازه ۱۵×۲۱- ف ۳-۱۵۸۹.

۲-۲. نسخه خطی حدایق الانوار کتابخانه ملی ایران به شماره ۳۲. ف.

رساله حدایق الانوار به شماره ۳۲. ف. نسخه‌ای است که در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. از این نسخه در فنجا با شماره ۳۲ نام برده شده است. در فنجا در خصوص این نسخه آمده است: این کتاب مشتمل بر چهار فصل و دوازده حدیقه است بدین ترتیب: فصل اول در بیان احوال راقم، فصل دوم در کیفیت ادراک، فصل سوم در امر استتار اسرار و سر آن، فصل چهارم در بیان معرفت الله. هشت حدیقه عبارت‌اند از: حدیقه اول در اصالت وجود، حدیقه دوم در بیان اینکه سبب ایجاد عالم محبت است، حدیقه سوم در نبوت، حدیقه چهارم در سبب عداوت، حدیقه پنجم در محبت خاتم انبیا، حدیقه ششم در اقسام علما، حدیقه هفتم در ریاضت، حدیقه هشتم در فضیلت جمعیت. در مقدمه، دوازده حدیقه ذکر شده ولی در شرح، فقط هشت حدیقه آمده است که هر حدیقه خود مشتمل بر چند گلزار است. متأسفانه با وجودی که کتاب حاوی یک فصل در بیان احوال راقم است، در این فصل نامی از راقم دیده نشد. سپس آغاز و انجام آمده است؛ و نویسنده در ذکر مشخصات نسخه چنین

می‌نویسد:

آغاز: «رب و فقنی بالاتمام. هذا كتاب حدایق الانوار. بسمله و به نستعین الحمد لله الذی رشح من سبحات امره امطار رحمته» (قومشمی، ۱۲۶۳: ۱).
انجام: «و عائده آن را ذخیره آخرت نماید بحق محمد و آله الطیبین و الحمد لله رب العالمین.»
آخر نسخه: «... تمه الرسالة فی یوم پنجشنبه شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه ۱۲۶۳ق» (همان: ۲۷۶).

همچنین در مشخصات نسخه آمده است: نسخ نسبه خوش، ۱۲۶۳ق، محتملاً تهران، دو جدول: یکی قرمز، دیگری قرمز و آبی جلد تیماج قرمز، اسده ۱۸۰ × ۲۷۵، کاغذ ترمه، ۲۷۶ ورق، ۱۹ سطر کامل، ۲۹۶۹ / ۲۰۲۶ / س (درایتی، ۱۳۸۴: ۲۳).

۲-۳. نسخه خطی حدایق الانوار کتابخانه دانشگاه تهران

نسخه خطی دانشگاه تهران، با مشخصات ش-۱۸۴۱-ف. پنجشنبه ذی القعدة ۱۲۶۳- فیلم‌ها، ف- ۱-۷۴، در واقع همان نسخه کتابخانه ملی است.

۳. ساختار نسخه خطی حدایق الانوار کتابخانه ملی ایران به شماره ۳۲. ف (نسخه اساس) در ابتدای کتاب آمده است: «این رساله بر چهار فصل که به منزله چهار فصل است از برای ترتیب بساتین و جنان و انبات و نبات و ریاحین و ازهار و انوار و چمن و گلزار و دوازده حدیقه که مشتمل است بر گلزار و اشجار و اثمار که بواطن ائمه اثنی عشر صلوات الله علیهم ترکیب و ترتیب و تربیت یافته و شریعت و طریقت و حقیقت» (همان: ۵).

ترکیب و ترتیب کتاب حدایق الانوار به قرار زیر است:

۱. فصل اول

فصل اول در بیان احوال راقم آثم و ملتجی بروب عاصم و مقصود از بیان آن است که فی الجمله از سلوک خود چیزی تحریر آورده تا معلوم گردد که باب هدایت مفتوح و غیر

مسدود نیست (همان: ۵).

۲. فصل دوم

در کیفیت ادراک و معرفت و علم و ایمان نفس. بدان العزیز ایدک الله که در باب علوم و معارف و کیفیت آن اختلاف است. بعضی بر آن‌اند که علم از امور خارجه به اعتبار حصول صورت امر خارج است در عقل (همان: ۳۷).

۳. فصل سوم

در بیان امر به استتار اسرار و کتمان حکم و معارف الهیه و سرّ امر به استتار و اختفاء نوامیس نبویه فقلاً و عقلاً (همان: ۴۱).

۴. فصل چهارم

در بیان معرفت الله و کیفیت تحصیل آن و امکان رویت لقاءالله و عدم آن. بدان العزیز وفقک الله در تحصیل معرفت الله خلاف است بعضی گویند واجب است و بعضی ممتنع (همان: ۴۷).

همچنین رساله به دوازده حدیقه تقسیم شده، ولی نویسنده هشت حدیقه را بیشتر شرح نکرده است:

- حدیقه اول

در اصالت وجود، در آن یک گلزار و ده شجره. بدان ای عزیز الجاک الله وجود در لغت به معنی هستی است و عرفا و حکما به عبارت بسیار ادا کرده‌اند (همان: ۲۵).

- حدیقه دوم

در بیان اینکه سبب ایجاد عالم محبت است و باعث ظهور موجودات از کتم عدم لطف و مودت است و علت بقا و مدار نظام سلسله اشیا نیز تودد و تطف خواهد بود (همان: ۶۲).

- حدیقه سوم

در نبوت و در آن یک گلزار است و شش شجره. گلزار در اثبات نبوت مطلقه چون ثابت شد که بنای کار عالم بر منافع و مصالح بنی آدم است (همان: ۷۶).

- حدیقه چهارم

در سبب عداوت با اولیا و در آن یک گلزار است و سه شجره. در بیان آنکه شخصی هر قدر به کمال نزدیک‌تر، ملامت و ایذا بالنسبه به او زیادتر است (همان: ۱۰۱).

- حدیقه پنجم

در محبت خاتم انبیا و سرور اولیا و سایر اوصیا و انبیا علیهم‌السلام و آن مشتمل است بر یک گلزار و شش شجره. گلزار در محبت سید ابرار چون ثابت شد که اول فیض که از حضرت واجب‌الوجود فایض شد نور خاتم انبیا علیه‌السلام است (همان: ۱۴۶).

- حدیقه ششم

در اقسام علما در آن یک گلزار است و هفت شجره. گلزار در بیان اصناف علما و عرفا به طریق تفضیل باید دانست که علم نوری است که در قلب افاضه می‌شود و با واسطه دیده بصیرت پیدا گشته معرفت حاصل می‌شود (همان: ۱۹۳).

- حدیقه هفتم

در ریاضت و طریق آن و در آن یک گلزار است و پنج شجره. گلزار در بیان مطلق ریاضت و حسن آن بر زیرک صاحب فطانت و فهیم ذی‌بصیرت معلوم شد که انسان را مقام عالی و مرتبه متعالی است (همان: ۲۲۱).

- حدیقه هشتم

در فضیلت اجتماع و ذکر و دعا و اوقات آن‌ها و جمعیت اهل ذکر و دعا. باید دانست که سالک را احوال مختلفه در حین سلوک دارد (همان: ۲۴۱).

۴. رسم‌الخط نسخه خطی حدایق الانوار کتابخانه ملی ایران

برخی ویژگی‌های نگارشی نسخه مورد بحث عبارت‌اند از:

۴-۱. هیچ‌گونه علامت نگارشی در نسخه مشاهده نمی‌شود.

۲-۴. آیات قرآنی و عبارات و ابیات عربی مشکول نیستند و نویسنده در نگارش آن‌ها دقت چندانی نداشته است.

۳-۴. حرف «گ» همه‌جا به صورت «ک» نوشته شده و کاف عجمی خوانده شده است: کسی شانه کش زلف مشک‌افشان‌شان نشده و حلقه چشمی طوق فاخته سرو بالاشان نکرده (همان: ۳).

آدم گفت به چه سبب فرشتگان در عقب من باشند (همان: ۴۲).
۴-۴. حرف «ت» در انتهای کلمات عربی در اکثر موارد به صورت گرد کتابت شده است: مسدود گشته راه گریز از چهارسو از شده زمانه از قوه ستم (همان: ۳)

حضرت فرمودند نقل مکن به جهة آنکه وقتی که تو این را نقل نمودی از زبان من انکار می‌نمایند (همان: ۳۰).

و در مواردی به صورت «ت» نوشته شده است:
اگرچه مدعیان بسیار بهر سلکی در هر لباسی دیدم و خدمت هریک رسیده هم صورت گردیدم لکن بندگان خدا تابعان شریعت مصطفی (ص) و طریقت مرتضی (ع) بسیار اندک و کمیابند (همان: ۳۱).

۵-۴. همزه بعد از الف زائد به صورت «ئ» نوشته شده است.
یعنی علی عالی اعلی که سائلان از باب رحمتش نشنیده به جز نعم (همان: ۳)

من اگر خارم اگر گل چمن آرایی هست که از آن دست که می‌پروردم می‌رویم (همان: ۵)

۶-۴. گاهی همزه پایانی «اء» به صورت «ء» نوشته شده است:
و از شهرستان علم و معرفت مبدء و معاد خروج نموده (همان: ۳).

۷-۴. گاهی همزه پایانی «اء» بدون همزه پایانی به صورت «ا» نوشته شده است:
چون معلوم شد که خاتم انبیا و سرور اولیا اقرب و اقدم جمیع کائنات و صدرنشین بزم
جمله موجودات پس از مقام احدیت رتبه احدیه است (همان: ۲۵۲).
هرچه را که او را حاجت به ظهور اسماء نیست بلکه لازم وجود است وجود او و اعطاء
وجود (همان: ۵۳).

۸-۴. کلمه «است» به هر دو صورت جدا و یا متصل به کلمه قبل با الف ابتدایی یا بدون آن
نوشته شده است:

اندیشه این و آن خیال من و توست افسانه عشق را نشان دگر است
(همان: ۹)

خدای تعالی فرمود در بهشت است هرچه خواهش کند نفس‌های شما... از برای شماست
(همان: ۱۰۳).

۹-۴. به جای «ای»، «ه» آمده است:

اکنون ای دوست جانی و ای دلبر روحانی! ارمغان و سوغات از برای من آورده؟ (همان: ۱۲۶)
۱۰-۴. جدانویسی «ن» نفی از فعل بعد از خود:

تو نه پندار که این سخنان از این ظلوم جهول، از روی آن کشف و عالم عقول باشد
(همان: ۱۳۹).

به محض ادعا از او نه پذیرند و بدون حجت طریق اطاعت او پیش نگیرند (همان: ۱۵۵).

۱۱-۴. «های» غیرملفوظ از آخر کلماتی که با «ها» جمع بسته شده، حذف گردیده است:

از ابر فیض ابر کرم رشحه کشید بس قطرها فشاند بخشکننده حاصلم
(همان: ۴)

چندی چون عقرب گزیده طریق مجنونان گزیده در ویران‌ها و بیابان‌ها بسر برده شب در

مدرس‌ها آرام می‌گرفتم (همان: ۹).

۱۲-۴. کلمات مختوم به الف ممدود در حالت اضافه و وصف گاهی با همزه و گاه بدون همزه، گاه با «ی» و گاهی بدون «ی» نوشته شده است:

و در مزارع طوایف رؤسای هر زمره جوشیده و سنبله از آن خرمن تر چیده (همان: ۷).
در فصل ربیع اول یعنی ابتداء فطرت که اراده خالق قرار گرفت که طرح حدیقه جهان اندازد و آن را باشجار موالید و ازهار اثمار گلستان سازد (همان: ۱۰۴).

۱۳-۴. «ی» نکره و اضافه و نیز شناسه «ای» جانشین فعل ربطی در کلمات مختوم به «های» غیرملفوظ به صورت همزه آمده و گاهی ذکر نشده است.

مرا راحت و رنج مساوی باشد که خواهش من سوای اراده او نیست (همان: ۱۴۰).
اما مستغرقین مزبله دنیا را که بجز خوردن و خفتن شیوه نیست چون از خفاش از رؤیت نور خورشید بی بهره‌اند علاوه بر آن انکار این مطلب نمایند (همان: ۴۷).

۱۴-۴. حرف اضافه «به» در همه موارد به کلمات بعدی پیوسته است:
بجهت آنکه غیرصادق است که محفوظ از خطا نیست و بجهت تحفظ از خطا مأمور شد بمعاشرت با صادقان (همان: ۱۷۵).

۱۵-۴. کاتب به سرهم‌نویسی و یا جدانویسی اجزای کلمات مقید نبوده و حتی گاه دو کلمه جدا را پیوسته نوشته است:

و خداوند رحمن اسباب سلوک و ترقی ایشان را به هیچوجه فروگذار نفرموده (همان: ۷).
اضافه شدن «یک» به کلمه بعد از خود:

گر چکد یک قطره از وی در جحیم نار سوزان می‌شود باغ نعیم
(همان: ۱۶۴)

۱۶-۴. پیشوند فعلی «به» گاهی جدا و گاهی پیوسته از فعل نوشته شده است.
و این نظیر این کلام است که گفتند اگر خدای ورای اصنام ما بود باید او را به بینم و اهل کتاب گفته‌اند این پیغمبر اگر برحق بود باید او را بشناسیم (همان: ۱۷۴).

- ۱۷-۴. می استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است:
در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویم
(همان: ۵)
- این مطلب بچند مقدمه و رای مقدمه سابقه ثابت می‌شود (همان: ۱۹۶).
از صحرای عدم به شهر وجود، قدم نمی گذاشت و لوای هستی و ظهور نمی افراشت...
(همان: ۱۲۳).
- خود حجاب در پیش دیده خود دارند و ماورا را نمی بینند (همان: ۲۱۳).
۱۸-۴. «در این»، «در آن» و «بر این» و «بر آن» همه جا به صورت «درین» و «دران» و «برین»
و «بران» نوشته شده است:
در سراب غوطه می خورد که خود را بزمین رساند اتفاق درانجا چاهی بود بسیار عمیق
(همان: ۱۳۴).
- اثر آن‌ها آن مشهور میانه خواص و عوام است که بلا تشبیه بهلاکت می‌رسد و درین زمان
این معجزه باقیست (همان: ۱۷۱).
- تا آنکه اندیشه برین داشتیم که یافتیم اختلاف مذاهب و کثرت آرا (همان: ۷).
۱۹-۴. واژه «دوم» و «سوم» در اکثر موارد به صورت «دویم» و «سیم» نوشته شده است:
شجره دویم در بساطت وجود و انبساط آن شجره سیم در عدل واجب تعالی (همان: ۵).
۲۰-۴. گاهی به جای «ز»، «ج» نوشته شده است:
اتفاقاً در بعضی کوه‌ها و بیابان‌ها و کنار دریاها فیروج با سنگ نقره با صدف مرواریدی که
به نظر نیامده بود پیدا می‌شد (همان: ۲۷۰).
- ۲۱-۴. صفت اشاره به کلمه بعد متصل نوشته شده است:
سبقت رحمته غضبه، در اینمقام است... (همان: ۱۲۳).
احادیث و اخبار سید ابرار و ائمه اطهار علیهم السلام نیز بر اینمطلب بسیار است. از آنجمله

آنست که خانه را که صاحب آن بلا حاجت خالی گذارد... (همان: ۱۲۳).

حضرت فرمود بتحقیق که من پوشیده می‌دارم از علم پاکیزه‌ای آن را (همان: ۳۰).

پس بگو تو در جواب آنکس که اگر تو ده سخن ناخوش بگویی نمی‌شنوی یک سخن ناخوش (همان: ۵۳۷).

غافل آنقوم که خود پسندیده‌اند دنیا بدیشان روآرد اما ایشان روی دنیا نیاورند (همان: ۸).

۲۲-۴. مصوت بلند «ا» در پایان واژه‌ها، گاهی به صورت «آ» آمده است:

شجره سیم در ثمر علم ظاهر و مدح علما. حدیقه پنجم در محبت خاتم انبیا و باقی اوصیاء و اولیاء (همان: ۵).

۲۳-۴. گاهی «ها»ی بیان حرکت به رسم الخط قدیم نوشته شده است:

صریح است در این مطلب کی فرمود (همان: ۳۰).

۲۴-۴. بعضی واژه‌ها با رسم الخط قدیمی نوشته شده است:

چه غبن ازین فاحش‌تر که خدای ازو ناخوشنود باشد (همان: ۹).

هر کس را حمل آن میسور نیست (همان: ۲۹).

۵. بررسی ویژگی‌های سبکی

درباره ویژگی‌های سبکی اثر سخن بسیار می‌توان گفت. از آنجا که این اثر منشور همراه با ابیاتی از شعر شاعران دیگر است، نمونه‌های فراوانی از مختصات سبکی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. به‌طور کلی این کتاب، بنا بر شیوه رایج در اغلب آثار عرفانی و علمی، نثری پخته دارد که به شیوه متقدمان نزدیک‌تر است. دیباچه کتاب به نثر فنی نگارش یافته و بسیاری از ویژگی‌های بارز سبکی این دوران به‌خوبی در این بخش مشهود است. ترکیبات و عبارات عربی در کتاب به‌حدی است که عربی‌مآبی نویسنده در اولین صفحات کتاب آشکار می‌نماید. استشهاد به آیات و احادیث شواهد منظوم و منشور متعدد ضرب‌المثل‌ها و اقوال

مشایخ و بزرگان در آن فراوان است. صنایع بدیعی نظیر جناس، مراعات النظیر، اشتقاق و... در کتاب به وفور به چشم می‌خورد.

۱-۵. استشهاد به آیات و احادیث

استشهاد به آیات و احادیث بزرگان دین، قریب به دویست آیه که در فهرست پایانی نسخه تصحیح شده به ترتیب الفبایی با ذکر نام سوره و شماره آیه درج شده است. از مولانا الامام التهادی التقی^(ع) روایت کرده که فرمود اشیاء کلش مساوی است به علم او قدرت و ملک او احاطه نیز خدای تعالی فرمود و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب هرگاه سؤال کنند بندگان من از من پس به درستی که من نزدیک و دیگر آیات و احادیث به این مضمون بسیار است (همان: ۵۹).

۲-۵. به کارگیری اشعار فارسی

نویسنده در این کتاب تعداد قابل توجهی از اشعار لطیف و خوب قدیمی را آورده است بی آنکه نام سرایندگان را ذکر کرده باشد. بخش اعظم این اشعار، اشعار منتخبی از حافظ، مولانا، سعدی، شیخ محمود شبستری و... بوده که به فراخور حال و هوای متن از آن‌ها بهره برده است. این اشعار که از انواع ادبی غنایی، تعلیمی، توصیفی، وعظ، حکمت و عرفان انتخاب شده از جمله ارزش‌های ادبی اثر محسوب می‌شود که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

نه آن صیدم که گیرم با جنس آرام	نه آن مرغم که باشم صید هر دام
نه آن آبم که آرم رو به هر جای	نه آن خاکم که افتم زیر هر پای
تویی معبود اگر نزدیک دیری	تویی مقصود اگر مشغول غیری

(همان: ۱۱)

خود چه مغز و چه پوست خود همه اوست	او مغز جهان جهان همه پوست
-----------------------------------	---------------------------

(همان: ۷۹)

به نظر می‌رسد نویسنده حدایق الانوار رساله خود را به‌رغم تمایل کلی به نشر فنی و مصنوع تا آنجا که موضوع رساله به او امکان داده، به‌طور متعادل از آرایه‌مند نمودن کلام بهره برده و به شیوه نویسنده‌گان متون عرفانی، نثری شیوا و موزون ارائه داده است. توجه به این اصل است که رساله حدایق الانوار را اثری ممتاز و برجسته نشان می‌دهد.

۳-۵. کاربرد جمله معترضه

و اطاعت پیر مغان و اعتقاد اهل عرفان و امیرمؤمنان و ائمه علیهم‌السلام را بجان دارم (همان: ۱۲).

نعوذ بالله من العبادۃ والفوایة (همان: ۴).

شکر خدای عزوجل را باید از معرفت معارف توحید و فهم لطایف تجرید و دیگر معلوم گردد (همان: ۴).

۶. ویژگی‌های ادبی

نویسنده در رساله حدایق الانوار توجه کافی به صنایع بدیعی و بلاغت اعم از لفظی و معنوی داشته است؛ اما آنچه بیشتر مورد توجه نویسنده قرار گرفته، استفاده از آرایه تضاد یا طباق، انواع جناس و مراعات النظیر است. در ادامه به برخی از این آرایه‌ها اشاره می‌شود.

۱-۶. مباحث بدیعی

۱-۱-۶. قرینه‌سازی

نویسنده رساله با قرینه‌سازی و آوردن سجع‌های مکرر به‌ویژه سجع‌های متوازی، سبب زینت کلام شده است.

این ضعیف چون دید عداوت زمانه با دوستان خداوند یگانه و تربیت ارازل و جهله و شعشه نیران جهالت و ضلالت.... (همان: ۳).

در طلب علم ظاهر در مجلس درس او حاضر و گروهی به تماشای جمالش ناظر بودند.

بعضی چون پروانه از پرتو شمع جمالش در سوزوگداز و در تمنای گلستانش چون عندلیب در نغمه و ساز (همان: ۱۷۳).

۲-۱-۶. تضمین المزدوج

طایفه‌ای از تجار نیز با او نرد محبت باخته در میدان الفتش سمنند همت تاخته، جمعی از آن‌ها به عبادت بسیارش شیفته و قومی دیگر به مجاهده و ریاضت بی‌شمار او فریفته (همان: ۱۷۳). و اکثر به صورت فریفته بی‌حقیقت از راه افتاده‌اند و ناکام شود که بتدلیس و تلبیس فریفته شوند (همان: ۳).

و استدعا از صاحبان انظار و حاملان انوار اسراران است که به نظر لطف در آن نظر کنند (همان: ۴).

همه گرفتار نان و آب و علف و از گوشمال مال و دار آخر بی‌خبر (همان: ۸).

۳-۱-۶. جناس

- جناس تام

آن است که دو کلمه در جمله بیاید که در خط و تلفظ یکسان باشند اما دو معنی متفاوت داشته باشند.

و الا شاید بخطا رفته‌اند اگرچه در طلب بخطا رفته‌اند (همان: ۷). شاهد در کلمه «خطا» است که اولی به معنی سرزمین خطا و در دیگری به معنی اشتباه است.

در بیان احوال راقم آثم و ملتجی بروب عاصم (همان: ۷). شاهد در کلمه «آثم» است که در مورد اول به معنی گناهکار و در دیگری به معنی حفظ‌کننده و نگه‌دارنده است.

- جناس ناقص حرکتی

یکسانی دو یا چند واژه در صامت و اختلاف آن‌ها در مصوت‌های کوتاه است. این تکرار

صامت‌ها، موسیقی درونی پدید می‌آورد.

آنچه را پنداشتی ثمرش در دوسراست در دسر است (همان: ۷).

دی و دوشم از خاطر برفت و جاروب اندیشه غبار پیوندم بباد آرزوهایم برفت (همان: ۸).

پنداشتی از دایره حیرت در رفتی و از صدف یقین ذریافتی (همان: ۹).

- جناس زاید

که یکی از دو رکن جناس، حرفی بیشتر از دیگری داشته باشد.

گاهی، آهی از دل برمی‌آمد (همان: ۹).

- جناس خط

دو رکن جناس در کتابت یکسان و در نقطه با هم اختلاف داشته باشند.

دلیلی بایست که گوید برین جاده بایست که پدران تو پابست شده‌اند (همان: ۷).

- جناس زائد

که یکی از دو رکن جناس حرفی بیشتر از دیگری داشته باشد.

رخت در کوی اجتهاد باید کشید و در طریق اخذ آن باید کوشید (همان: ۹).

۶-۱-۴. واج آرابی

چرا که دشمن بدست دوست دهند اما دوست بدست دشمن ندهند (همان: ۸).

و به اعتباری عرش و علم فعلی الهی است. چنان‌که در اعتقادات است که عرش به وجهی

علم خدا است (همان: ۴۶).

باید دانست که چنین شخص لامحاله معصوم است و عصمت لازمه ذات اوست (همان: ۹۲).

۶-۱-۵. ارسال‌المثل

پس چون مأمور شدم، معذور گشتم کالمأمور معذور (همان: ۴).

۶-۱-۶. مراعات نظیر

اهل دانش در بیان ایشان چون دیوانه است در دست اطفال بهر طرف سنگ ملامت

برسرش زبند (همان: ۳).

و در مزارع طوائف روسای هر زمرة جوشیده و سنبله از آن خرمن تر چیده (همان: ۷).

۷-۱-۶. تضاد

تضاد یا طباق دو کلمه متضاد در سخن به گونه‌ای که سبب زیبایی کلام گردد.

گرگان به جلوه آمده اندر لباس میش زاغان چه عندلیب به گلزار در نغم

(همان: ۳)

چشم از طریقه بیگانه و خویش پوشیدم (همان: ۷).

هریک از مردمان که از صراط و حد اعتدال عدول نمایند و به افراط و تفریط که هر دو

مذموم‌اند مشغول شوند مذمت می‌کنند (همان: ۲۰۸).

۸-۱-۶. تلمیح

تلمیح از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن نویسنده یا گوینده در ضمن نوشتار و

گفتار خویش به آیه، حدیث، داستان یا مثل معروفی اشاره داشته باشد.

یوسف نفس کمال را در بازار اهل این دوران بکلافی نخریده و زلیخای مصر حال را

بتمنای یوسف نگزارد (همان: ۳).

جمله فوق اشاره به داستان فروختن حضرت یوسف^(ع) دارد.

تا آنکه مجنون میل مکنون تعلق گرفت به لیلی (همان: ۹).

جمله فوق اشاره به داستان عاشقانه لیلی و مجنون دارد.

جمله را دیدم در مسیر دنیا مخالب آرزوها فروکرده و از آن جیفه به چنگال‌های آمال

گرفته و بطعم و بوی آن سرخوش‌اند (همان: ۳).

جمله بالا اشاره دارد به سخن پیامبر اکرم^(ص) که می‌فرمایند: «الدنيا جيفة و طالبها كلاب»

(گیلانی، ۱۳۶۶: ۳۷).

شجره دهم در نفی جبر و تفویض و اثبات امر بین الامرین (همان: ۶).

امام صادق^(ع) فرمودند «لا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَکِنَّ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۲۴).

۹-۱-۶. ایهام

و اسباب دیگر نیز مرجح شد از آن جمله دوستان جانی و اخوان روحانی (گیلانی، ۱۳۶۶: ۴).

جانی: ۱. جنایتکار؛ ۲. عزیزتر از جان

باید در طلب علم بچین رفت تا از قنطره خطا گذشته باشیم (همان: ۷).

خطا: ۱. اشتباه؛ ۲. سرزمین خطا

۱۰-۱-۶. تضمین

در این اثر، بیت‌های فارسی و گاهی عربی در لابه‌لای متن متناسب با موضوع به کار گرفته شده‌اند که البته خود حاکی از سبک نویسنده رساله است.

و باظهار نعمات الهی وارد است که و اما بنعمة ذلك فحدث (همان: ۴).

و الا شاید بخطا رفته‌اند اگرچه در طلب بخطا رفته‌اند اطلب العلم ولو بالصین (همان: ۷).

تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

(همان: ۱۱)

۲-۶. صور خیال

۱-۲-۶. تشبیه

پیر زال ضالالت را در دکان نادانی مقابل زر ندهند و در تماشای جمالش دست از ترنج

نشناسند (همان: ۳).

چون مدتی گذشت و از علم فارسی بهره یافتم سجاده عبادت بر خود بافتم (همان: ۳).

باید در طلب علم بچین رفت تا از قنطره خطا گذشته باشیم (همان: ۷).

زال ضالالت، دکان نادانی و سجاده عبادت، تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی است. اضافه

تشبیهی تشبیه بلیغی است که معمولاً مضاف، مشبه به و مضاف‌الیه، مشبه است.

اهل معرفت را در محافل چون مرغ غریب بمنقار سرزنش اذیت کنند (همان: ۳).

۲-۲-۶. استعاره

خداوند عالم خیر محض است. عذاب و عقاب از او نباشد مگر آنکه انسان آنچه درین مزرعه تخم آفشانده و ذخیره کرده از نیک و بد در یوم تبلی السرائر همه ظاهر کن (همان: ۲۴۴). عبارت فوق دارای استعاره مصرحه است. مشبیه به که همان مزرعه و تخم است بیان شده و دنیا و اعمال و کردار که مشبیه است حذف شده است. چنان‌که در بعضی مجالس ذکر روی می‌دهد و آنچه ظاهر می‌شود پای حادثه بر زمین نبوده (همان: ۲۶۲).

استعاره از نوع مکنیه است.

۳-۲-۶. کنایه

پریشان و شاهدان محفل حقیقت که بی‌سامان در کوه و بیابان از سنگ ملامت ناهلان سر در گلیم اختفا کشیده (همان: ۳).

شاهد در مثال فوق «شاهدان محفل حقیقت»، کنایه از عارفان است.

از معایبی که به نظر آید چشم پوشند (همان: ۴).

کنایه فعلی «چشم پوشیدن»، کنایه از منصرف شدن است.

مدتی در دایره تفکر سر در گریبان تحیر کشیدم (همان: ۷).

کنایه فعلی «سر در گریبان کشیدن»، کنایه از به فکر فرورفتن است.

شجره دویم در ولایت شاه ولایت (همان: ۷).

«شاه ولایت» کنایه از حضرت علی^(ع) است.

۴-۲-۶. مجاز

صوفیان باصفا را که در طریقت مصطفی راسخند، وصف فرموده (همان: ۴۸).

گر تو را دست هست دستش گیر دست جان هوا پرستش گیر (همان: ۸).

در چاشت فلان روز برسر جسر حاضر شو (همان: ۳۶).

۷. ویژگی‌های زبانی

با آنکه زمان تألیف کتاب *حدائق الانوار* مربوط به قرن سیزدهم هجری است و تألیفات و تحقیقات این قرن نیز چون سایر دوره‌های سبکی ادبی ویژگی‌های خاص دارد، در این کتاب نشانه‌های زبانی و سبکی دوره‌های قبل نیز مشهود است. اختصار و ایجاز، رعایت الفاظ فارسی، ترک لغات دشوار، استفاده از افعال قدیمی و ساختارهای صرفی کهن از این جمله است. بسامد واژگان عرفانی، کلامی، فلسفی، قرآنی و احادیث و آیات فراوان از دیگر ویژگی‌های این کتاب است. بارزترین ویژگی‌های زبانی و نحوی کتاب *حدائق الانوار* در دسته‌های زیر قابل مشاهده است:

۱-۷. افعال پیشوندی

الهی نه طاعتی داریم که بدان مغرور شویم و نه از معصیت سر بازکشیدیم که بدان مسرور شویم (همان: ۵).

و خداوند رحمن اسباب سلوک و ترقی ایشان را به هیچ وجه فروگذار نفرموده (همان: ۷).

۲-۷. بسامد بالای واژگان عربی

کاربرد تعداد واژگان عربی نسبتاً نادر و دشوار که مورد استفاده نویسنده است، نشان از آشنایی او با زبان عربی دارد. استفاده نویسنده از لغات عربی و کاربرد این کلمات در حد نسبتاً بالایی است. تقریباً در همه سطرهای هر برگ، بسامد بالای واژگان عربی مشاهده می‌شود این استفاده در بعضی از صفحات بیش از چهل واژه نیز می‌رسد و می‌توان گفت که زبان این اثر در بسیاری از موارد همانند سایر نثرهای فنی و مصنوع این دوره از قواعد زبان عربی پیروی می‌کند. از جمله:

در فکر او قمر و شمس را هبوط صعود مقدس از قدم او فرشته ساجد مکرم از کرم او خلیفه سجود شده (همان: ۱۷).

پس معرفت واجب ممکن است به حسب مرتبه که وجه الله است در مظاهر اسماء و

صفات و محال است به حسب مرتبه ذات که غیب الغیوب است (همان: ۳۳).
پس درجات علوم چون مراتب علم واجب است ابدأ و تردد در مرتبه از آن به اعتبار جهت
علوی منسوب به حق است و فایض از او اگرچه به اعتبار ذات خود عین فقر و ظلمت پس
بالنسبه بواجب غیر متغیر و ثابت و بالنسبه به ممکن تغییر و تردد و بدان متحقق گردد (همان:
۲۷۰).

۳-۷. کاربرد افعال آرکائیک

درد و الم و غصه چندی گذرانیدم و سرّ خود با یار دل بنهفتم (همان: ۸).
ندانستمی تعلق به کجا دارد (همان: ۹).

۴-۷. جمع مکسر عربی

پس آنچه در الواح و صحف و عقول و نفوس کتابت شده مکتوب خداوند است (همان: ۹۵).

۵-۷. جمع عربی نادرست

فرمایشات نفس از چشمه‌سار وهم سرسبز و خرم است (همان: ۳).
و استدعا از صاحبان انظار و حاملان انوار اسراران است که به نظر لطف در آن نظر کنند
(همان: ۴).

۶-۷. کاربرد ترکیبات عربی

ظرف نداشتم که آن‌ها را از معدن دفعه ثانیه اخذ کنم (همان: ۲۷۰).

۷-۷. کاربرد علامت جمع عربی به جای جمع فارسی

شجره دویم در بیان آنکه معرفت مؤمنین و عارفین لازم است (همان: ۶).

۸-۷. کاربرد لغات و اصطلاحات دشوار

از ابر فیض ابرکرم رشحه کشید بس قطرها فشاند بخشکنده حاصلم

(همان: ۴)

ساقی بریز باده به جام از ره کرم تا حل شود ز فیض تو یکسر مشاکلم
(همان: ۴)

به نظر لطف در آن نظر کنند و به چشم انصاف بدون اعتساف به اصلاح کوشند (همان: ۴).
۹-۷. حذف

غافل آن قوم که خود پسندیده‌اند دنیا بدیشان روآرد اما ایشان روی بدنیا نیاورند (همان: ۸).
از ابر فیض ابر کرم رشحه کشید بس قطرها فشانند بخشکننده حاصلم
زنجیر زلف اوست و گرنه بدان صفت دیوانه گشته‌ام که نبند سلاسلم
(همان: ۴)

همه گرفتار نان و آب و علف و از گوشمال مال و دار آخر بی‌خبر (همان: ۸).
۱۰-۷. حذف نقش‌نمای اضافه

الهی دیده ده که سوای حق نبینم و گوشی که جز کلام حق نشنوم (همان: ۵).
زاهدی فاسقی را دید بگناهی عظیم افتاد گفت خدایا بگیر او را بفتنه و بلا کشتی او را
غرق کن (همان: ۱۰).

۱۱-۷. حذف واو عطف

کسانی که این بار بر جان نهند قدم بر سر لعل مرجان نهند
(همان: ۸)

۱۲-۷. ابدال

من که باشم که با تو در این غار همچو اصحاب کهف باشم بار
(همان: ۴)

۸. نتیجه‌گیری

کتاب حدائق الانوار اثر محمدصادق قومشمی از نسخه‌های خطی منحصر به فرد کتابخانه ملی است. این رساله حاوی چهار فصل با موضوع و محوریت عرفان است. در حقیقت

مجموعه‌ای از اندیشه و افکار عارفان و نویسندگان معروف گذشته همراه با داستان‌های قدیم ایرانی و گاه قرآنی که منشأ بسیاری از آن‌ها قرآن و کتاب‌های عرفانی است. مؤلف اثر در نگارش رساله به آثاری از قبیل مثنوی شریف، تذکرة الاولیا، کشف المحجوب، گلشن راز و دیوان حافظ نظر داشته است. نویسنده می‌کوشد تا در نقل داستان‌ها رنگ و بوی عرفانی به آن‌ها ببخشد. از این رو وی به داستان‌های پیامبران بسیار دلبستگی دارد و به فراخور حال، مقام و موضوع، گریزهای تاریخی به داستان‌های آنان می‌زند و حوادث زندگی آنان را در کنار مباحث کتاب ذکر می‌کند. از این رو در بسامد آرایه‌ها، آرایه تلمیح بیشترین کاربرد را دارد.

قلم نویسنده تلفیقی از نثرهای ساده، مسجع و فنی است. شایان ذکر است با اینکه نویسنده کوشیده است برخی از نکات کلیدی رایج از لابه‌لای اشعار و سخنان عارفان و گاهی از جانب خود روشن سازد، از دقت علمی لازم برخوردار نبوده است؛ بنابراین استناد به روایات اثر باید با احتیاط صورت گیرد.

از دیدگاه ساختار زبانی باید گفت نویسنده در رساله خود کوشیده است از زبان گذشتگان و رویه زبانی آنان بهره جوید تا اثر خویش را مقبول طبع عام کند؛ از این رو از کاربردهای قدیم زبان بسیار استفاده کرده است.

منابع

۱. آرین‌پور، یحیی (۱۳۸۲)، *از صبا تا نیما*، تهران: انتشارات زوار.
۲. بهار، محمدتقی (۱۳۷۳)، *سبک‌شناسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. جهانبخش، جويا (۱۳۷۸)، *تأملات نظری کارآمد در تصحیح متون ادبی*، تهران: آئینه میراث مکتوب.
۴. درایتی، مصطفی (۱۳۸۴)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: نشر سازمان

اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

۵. — (۱۳۸۸)، فهرست نسخه‌های خطی ایران (فخنا)، تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.
۶. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع نثر فارسی، تهران: سمت.
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۷)، نقد ادبی، چ ۹، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۸)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوسی.
۹. قومشمی، محمدصادق بن محمدباقر (۱۲۶۳)، نسخه خطی حدایق الانوار، تهران: کتابخانه ملی.
۱۰. — (بی‌تا)، نسخه خطی حدایق الانوار، تهران: کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱)، اصول کافی، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیه.
۱۲. گیلانی، عبدالرزاق (۱۳۶۶)، مصباح الشریعه، تهران: صدوق.
۱۳. مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، مقدمه و تصحیح متون، مشهد: آستان قدس.
۱۴. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹-۱۶۲.

